



## مشارکت ملی و توسعه فرهنگی

محمد سید اخلاقی

که بذره‌های کتابخوانی در خانه و مدرسه و آن هم در سالهای نوجوانی و جوانی باید افشانده شود که این کار نیز متضمن تغییراتی در نظام فکری خانواده‌ها و دستگاه آموزشی جامعه است. تکوین و رشد کتابخوانی زمینه‌ای است که موجب تقویت بالقوه و لاجرم بالفعل صنعت نشر خواهد شد. اما، از طرف دیگر، رشد کتابخوانی در کوتاه‌مدت حاصل نمی‌شود و اگر صنعت نشر بخواهد به انتظار تکوین و رشد کتابخوانی و خوشه‌چینی از مزایا و مواهب آن بنشیند باید عمر نوح و صبر ایوب داشته باشد. به همین لحاظ، در شرایط فعلی، صنعت نشر جدا از مسئله جلب و جذب خوانندگان جوان و دانشوران فرهیخته، باید در جستجوی راه‌های جدیدی باشد که ضمن حفظ موجودیت، بتواند با چاپ آثار بدیع، نقش خود را در توسعه علم و فرهنگ ایفا کند.

نوشته حاضر در پاسخ به این نیاز و برای یافتن راه‌حلهایی که پاسخگوی بخشی از معضلات صنعت نشر و بخصوص کتاب و کتابخوانی باشد به طرح مسئله مشارکت در ابعاد اقتصادی و اجتماعی پرداخته است. البته یادآوری این نکته خالی از فایده نخواهد بود که مسئله مشارکت و تعاون در زمینه‌های دیگر حیات اجتماعی چندان بی سابقه نیست، اما متأسفانه در حوزه فرهنگی،

یکی از راه‌های توسعه و شکوفایی فرهنگی برقراری معادله‌ای است که یک طرف آن ترجمه و تألیف آثار گوناگون علمی، ادبی و هنری باشد و طرف دیگر آن صنعت نشری پویا و زنده با بازاری گرم و پررونق و دوستداران فراوان و مشتاق کتاب و کتابخوانی. اگر به دوسوی این معادله مطلوب و آرمانی کمی عمیقتر نگاه کنیم به خوبی درمی‌یابیم که در اوضاع و احوال فعلی بین دو طرف این معادله توازن و تساوی لازم برقرار نیست. البته عده‌ای عقیده دارند که در مقاطعی از تاریخ کشور ما، به ضرورت شرایط سیاسی و اجتماعی، این تساوی و معادله کاملاً برقرار بوده ولی در سالهای اخیر طرف اول این معادله، یعنی چاپ کتابهای مختلف، با اهتمام ناشران دولتی و خصوصی تا حدودی فراهم شده ولی طرف دیگر آن آرام آرام به صنعت نشری بی‌رمق و بازاری بی‌روتق و کتابخوانهایی اندک شمار کشیده شده است. به همین دلیل، سرمایه اغلب ناشران خصوصی با آهنگی پرشتاب به صفر و بعضاً به زیر صفر نزدیک می‌شود و عده‌ای از ایشان ناگزیر به صرافت تغییر کسب و کار و جستجوی حوزه فعالیت دیگری افتاده‌اند.

در شماره گذشته در بحث از کتاب و کتابخوانی اشاره کردیم

از جمله صنعت نشر، زمینه‌های سرمایه‌گذاری و مشارکت بسیار کم‌رنگ و بعضاً بیرنگ بوده است.



در اردیبهشت ماه سال ۱۳۷۳، در هفتمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، بنیاد نیشابور (سازمان پژوهش فرهنگ ایران)، با همکاری بخش فرهنگی صنایع غذایی بهروز، سمیناری برگزار کرد تحت عنوان «زبان فارسی، میراث مشترک ما» که علاوه بر استادان دانشگاه و صاحب‌نظران داخلی، میهمانانی نیز از تاجیکستان و افغانستان در آن شرکت و سخنرانی داشتند.

از کم و کیف این سمینار و مضمون سخنرانیها، چون به این بحث مربوط نمی‌شود، چیزی نمی‌گوییم؛ اما آنچه برای من به عنوان بازدیدکننده نمایشگاه کتاب جالب توجه بود پیوند بنیاد نیشابور، به عنوان یک مرکز فرهنگی، و صنایع غذایی بهروز، به عنوان یک مؤسسه تجاری و تولیدی، بود. البته، پیش از این، کنفرانسها و سمینارهای زیادی با همکاری چند دانشگاه یا با مشارکت چند مرکز و انجمن علمی در کشورمان برگزار شده، ولی در قریب به اتفاق این مجامع فرهنگی، همواره بین برگزارکنندگان این محافل از طرفی و حامیان مالی و غیرمالی آن از طرف دیگر، نوعی سنخیت وجود داشته است. به همین سبب، پیوند این دو مؤسسه، آن هم در مقوله برگزاری سمینار زبان فارسی، به چند دلیل درخور توجه بود. یکی اینکه در کشور ما هم امکان بالقوه مشارکت و سرمایه‌گذاری در حوزه‌های فرهنگی وجود دارد؛ دیگر اینکه کار فرهنگی حد و مرز نمی‌شناسد و حتی در مقوله ظریف و حساسی همچون زبان، آن هم زبان شیرین فارسی، که رمز ماندگاری تاریخی و نماد هویت ملی ماست، می‌توان با شرکتهای تولیدی و مؤسسات تجاری صرف هم به تفاهم نظری و اقدام عملی دست یافت.

البته همین جا اضافه کنم که در مورد چنین تفاهمی بنده تا حدودی زمینه ذهنی قبلی داشتم. چون درست دو سال پیش یک مجله علمی - تخصصی جلسه‌ای تشکیل داده بود که بنده هم به مناسبتی در آن جلسه حضور داشتم. موضوع جلسه بحث درباره حفظ یا انحلال مجله و همچنین ارزیابی وضعیت مالی آن بود. ظاهراً مجله دخل و خرج نمی‌کرد و همین مسئله باعث شده بود به طور منظم منتشر نشود.

بعد از بحث مفصل، در نهایت قرار شد مجله تا مدتی با همین شرایط چاپ و منتشر شود؛ چون، به هر حال، مخاطبان و خوانندگان پروپا قرصی داشت که خواسته اصلی آنها انتشار مجله بود.

با این همه، قسمت اصلی بحث، یعنی ارزیابی وضعیت مالی و ارائه راه‌حل مناسب، هنوز به قوت خود باقی بود. یکی از

مشاوران مجله عقیده داشت که قیمت تکفروشی، با توجه به افزایش قیمت کاغذ و خدمات چاپی باید تغییر کند. این پیشنهاد موافقان و مخالفانی داشت و لازم بود در این زمینه بیشتر گفتگو شود.

نظر مخالفان افزایش قیمت مجله این بود که چون مخاطبان اصلی مجله اغلب دانشجوی هستند، این افزایش قیمت با توجه به گرانی کتابهای درسی چندان مطلوب نیست، بخصوص که دانشجویان از مجله به عنوان یک منبع کمک درسی استفاده می‌کنند و انتشار منظم و ارزان آن برای تقویت بنیه علمی دانشجویان بسیار مؤثر است.

در گرماگرم بحث افزایش قیمت، یکی دیگر از مشاوران مجله مطلبی عنوان کرد که مسئله افزایش قیمت تکفروشی را به کلی تحت الشعاع خود قرار داد. او عقیده داشت که به جای افزایش قیمت مجله بهتر است در جستجوی راهها و منابعی باشیم که هزینه‌های جاری را تا حدودی جبران کند. مشاور مجله در ادامه سخن اضافه کرد که در همین بازار تهران و در یکی دو مؤسسه تولیدی افرادی را سراغ دارد که حاضرند بدون هیچ توقع و چشمداشتی برای هر شماره مجله مبلغی به عنوان کمک مالی و صرفاً برای پیشبرد علم، بپردازند.

همان‌طور که قبلاً اشاره کردم، با این پیشنهاد مسیر بحث به کلی تغییر کرد. یکی دیگر از حاضران در تأیید این مطلب گفت: «این اقدامات در کشورهای دیگر هم سابقه دارد. البته در آنجا در ازای مشارکت، بخصوص از نوع فرهنگی اش، امتیازهایی برای افراد، از جمله تخفیف مالیاتی و عوارض گمرکی، قابل می‌شوند و به همین دلیل بسیاری از مؤسسات تجاری و کارخانه‌های عظیم تولیدی داوطلبانه به امور فرهنگی، از جمله چاپ کتاب و مجله و برگزاری سمینار و کنفرانس، کمک می‌کنند و از امتیازهایی که دولت و مسؤولان کشور در نظر گرفته‌اند برخوردار می‌شوند و حتی اسامی این افراد و مؤسسات در مجله و در سرلوحه کتاب منعکس می‌شود.»

حاشیه:

۱) روزنامه ابرار در شماره ۱۷۶۳ سال جاری خود، در صفحه «گوناگون»، در همین زمینه و طی دو خبر جداگانه، آمارهایی ارائه داده است که برای اطلاع خوانندگان قسمتهایی از آن را نقل می‌کنیم:

- انجمن اتریشی «اقتصاد برای هنر» اعلام کرد میزان کمکهای دولتی به مراکز فرهنگی و هنری سالانه به دو میلیارد دلار بالغ می‌شود. در مقابل، کمکهای بخش خصوصی ظرف سال جاری میلادی، معادل ۴۰ میلیون دلار بوده است. به گفته این انجمن، شرکتهای خصوصی اتریش در صورت کمک از تخفیف مالیاتی برخوردار خواهند شد. به علاوه این شرکتهای قادرند از این طریق برای خود تبلیغات نیز به راه اندازند. گفتنی است انجمن مذکور برای تقویت همکاری بخش خصوصی با مراکز فرهنگی اتریش فعالیت می‌کند.

←

نمی‌دانم بعد از آن جلسه، بحث مشارکت و جلب حمایت افراد و مؤسسات تجاری، انتشار مجله و تأمین بخشی از هزینه‌های جاری آن به کجا انجامید؛ اما، در هر حال مدخلی بود برای بحث و طرح اندیشه مشارکت در حوزه فرهنگ.



یکی از راههای توسعه فرهنگ، از جمله تقویت صنعت نشر و کتاب و کتابخوانی، استفاده از امکانات و سرمایه‌های بالقوه‌ای است که در حوزه‌های دیگر فعالیتهای اجتماعی و اقتصادی وجود دارد؛ اما متأسفانه، در طول این سالها، برای جلب و جذب بالفعل آن کوشش چشمگیری به کار نرفته است.

در این میان و برای طرح و تقویت چنین تفکری، نقش رسانه‌ها، بخصوص صدا و سیما، به دلیل فراوانی مخاطبان آن، بسیار حساس و مؤثر است و این قابلیت را دارد که از طریق برنامه‌ها و سریالهای گوناگون تلویزیونی، اندیشه مشارکت و سرمایه‌گذاری و توسعه فرهنگی را طرح و القا کند.

در سریالهای تلویزیونی، برای انتقال پیام، با استعانت از ابزارهای تصویری، همه صفات نیک و فضایل پسندیده دنیا با فرامی‌مبالغه‌آمیز به قهرمان اول سریال نسبت داده می‌شود. اتفاقاً این سریالها، با همه کمی و کاستی محتوایی و فنی، بینندگان زیادی دارد و بعضاً برنامه‌هایش تأثیر گذار هم هست. به علاوه، اندیشه همکاری و تعاون در فرهنگ دینی و اعتقادات ملی ما سابقه طولانی دارد. به کرات شنیده و خوانده‌ایم که فلان شخص هزینه احداث يك مدرسه را در فلان نقطه محروم کشور متقبل شده است یا چند نفر مشترکاً هزینه تأسیس و راه‌اندازی بیمارستانی را پرداخته‌اند. در حوزه فعالیتهای فرهنگی، از جمله کتاب و کتابخوانی، نیز باید چنین روحیه و اندیشه‌ای ترویج و تبلیغ شود و به تمامی لایه‌های حیات اجتماعی راه یابد. البته هدایت این اندیشه، اندیشه مشارکت مالی، در حوزه فرهنگ به همین سادگی و در کوتاه مدت یقیناً تحقق نخواهد یافت. اما، همان‌طور که پیشتر اشاره کردم، با سابقه و ذهنیتی که در فرهنگ دینی و اعتقادات ملی ما نسبت به امور عام‌المنفعه وجود دارد و متأسفانه در طول این سالها به دلایلی کمرنگ شده است تحقق آن چندان دور از انتظار نیست.

مسئله مهم در این روند یافتن راه یا راههایی است در ایجاد و تقویت روحیه فرهنگی و جلب اعتماد و اطمینان سرمایه‌گذاران برای مشارکت در امور فرهنگی. به علاوه، برای جلب سرمایه‌گذاری افراد و مؤسسات تولیدی، پیدا کردن زمینه‌های مشترك این همکاری مهمترین بخش مسئله است. برای روشن شدن مطلب ذکر نمونه‌ای خالی از فایده نیست.

مثلاً اگر قرار باشد ناشری در زمینه مواد شوینده و پاک‌کننده یا تعمیرات اتومبیل یا راه‌سازی و جاده‌سازی عناوینی منتشر کند و بعد از محاسبات اولیه دریابد که قادر نیست هزینه چاپ مثلاً کتاب «مواد شوینده و پاک‌کننده» را به تنهایی تأمین کند، بهتر است به جای چاپ کتابی ناقص با ترجمه آشفته و تصاویری نامطلوب، در جستجوی افراد و مؤسساتی باشد که اولاً تولیدکننده اصلی این محصولات یا مصرف‌کننده آن هستند یا به نحوی مضمون و محتوای این کتابها برای آنها و مؤسسه‌شان جذاب و قابل استفاده است. در صورت فراهم شدن جمیع این شرایط، چنانچه کتاب به صورت نفیس و آبرومندانه چاپ شود، مؤسسه مورد نظر احتمالاً نسخه‌های معتنا بهی از آن را خریداری می‌کند. البته ممکن است چنین کوششی در ابتدا، با توجه به زمینه‌های ضعیف و کمرنگ آن در جامعه و بخصوص در بین صاحبان و مدیران مؤسسات تجاری، چندان با موفقیت قرین نباشد؛ اما، در صورت جلب موافقت برای سرمایه‌گذاری مشترك حتی برای چاپ و انتشار يك کتاب، باید همین اقدام ساده و كوچك را با بزرگ‌نمایی و اعلام آن در مطبوعات روزانه و هفتگی و ماهانه جلوه و جلای بیشتری بخشید.



جدا از سرمایه‌گذاری مالی و اعتباری در حوزه‌های گوناگون فرهنگی، می‌توان طرح مشارکت همگانی را حتی در ابعاد کوچکتر به اهالی عرصه فرهنگ و ادب، از جمله ناشران و نویسندگان و مترجمان و ویراستاران و بعضاً خانواده‌ها، نیز تعمیم داد.

بسیاری از این افراد، که کار فرهنگی می‌کنند، فرزندان دارند که محصل‌اند. اما چند نفر از اهل فرهنگ لااقل فهرست انتشارات یا کتابهایی را که به نحوی ثمره کارشان است به مدرسه فرزندان فرستاده‌اند یا با مدیر و معلم مدرسه فرزند خود در مقوله کتاب و کتابخوانی صحبت کرده‌اند؟ خوب است حداقل برای تقویت کتاب و کتابخوانی در مدارس - به جای اینکه فقط به دنبال افرادی باشیم که هم تمکن مالی داشته باشند و هم مایل باشند یا مایلشان کنیم که اندکی، هر چند ناچیز، به امور فرهنگی و از جمله کتابخوانی بپردازند - از موجودی بالقوه و در دسترس

کتابخانه‌ای قابل استفاده فراهم می‌آید.

مطلب سوم آنکه خرید يك كتاب هزینه زیادی ندارد و از این لحاظ باب طبع بسیاری از والدین است. که هر وقت برای جلسه انجمن اولیا و مربیان دعوتشان می‌کنند مدام نگران این قضیه‌اند که حتماً باز قضیه گرفتن پول است و... معلوم نیست اصلاً این پولی که می‌دهند صرف چه اموری می‌شود.

چهارم آنکه اگر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و وزارت آموزش و پرورش در مورد اختصاص ساعاتی به مطالعه و کتابخوانی به توافق عملی برسند، مواد این کلاسها خود به خود فراهم می‌شود و دانش آموزان در همین ساعتها می‌توانند با امانت گرفتن کتاب از کتابخانه، یکی از قسمتهای جالب و جذاب آن را برای خواندن در کلاس انتخاب کنند و اگر مجالی بود درباره آن به بحث و تبادل نظر بپردازند. همین مسئله انگیزه‌ای خواهد بود برای معلم این کلاسها که با کتاب و کتابخوانی و تعقیب مسائل فرهنگی در ارتباط مستقیم باشد. به علاوه همین کلاسها محل مناسبی خواهد بود برای بروز خلاقیت، استعداد و پرورش تخیل بسیاری از دانش آموزان که، در شرایط فعلی، به هیچ وجه چنین امکانی برای آن فراهم نیست.

با شکل‌گیری کتابخوانی در مدارس، علاوه بر رونق صنعت نشر، که وجهه نظر اصلی این نوشته است، بسیاری از ناشران ناگزیر خواهند بود، ضمن جلب و جذب سرمایه‌ها و امکانات مالی افراد و مؤسسات تولیدی و تجاری، در برنامه‌های آتی خود برای چاپ و نشر آثار مختلف، تجدید نظر کنند و لاجرم به چاپ کتابها و آثاری بپردازند که متناسب با ذوق و شعور نوجوانان و جوانان این مملکت باشد. در پی این مرحله، آشنایی با معارف دینی و علوم عقلی و نقلی و موضوعات جذاب علمی، افسانه‌های ملل گوناگون و رمانهای ساده و متوسط در حد و اندازه ذهن و واژگان نوجوانان و بسیاری عنوانهای دیگر در سرلوحه کار ناشرانی قرار می‌گیرد که نیتشان اعتلای فرهنگ عمومی جامعه است. در واقع، کتابخوانی غربالی است برای تمییز آثار سره از ناسره و موضوع و مطالبی که اگر در چارچوب علاقه‌های دینی و فکری جامعه نباشد طبعاً طالب و خریداری هم ندارد.

حاشیه:

- براساس آمار رسمی، بودجه‌های دولتی تحقیق و توسعه در اسپانیا کمتر از يك درصد تولید ناخالص داخلی اسپانیا است. این در حالی است که در کشورهای پیشرفته اروپا این بودجه ۲ درصد و در امریکا ۳ درصد تولید ناخالص داخلی است. دکتر ایلا ضعف تحقیقاتی اسپانیا را معلول سرمایه‌گذاری ناچیز بخش خصوصی در زمینه تحقیقات دانست. تشویق بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری در تحقیقات از طریق کاهش مالیات یکی از راه‌حلهای اساسی این مشکل عنوان شده است.

(۲) در اواخر مهرماه سال ۷۳، معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی طی يك سخنرانی به وزارت آموزش و پرورش پیشنهاد کرد که در مدارس ساعاتی به عنوان مطالعه در برنامه درسی دانش آموزان منظور شود.

همین افراد استفاده کنیم.

یکی از عوامل اصلی توسعه و تعمیم فرهنگ در سالهای اخیر تأمین اعتبارات مالی و مادی بوده است مثلاً برای تأسیس مدرسه، احداث کتابخانه و خرید کتاب و تکمیل موجودی کتابخانه‌ها، همچنین برگزاری جلسات انجمنها و کنفرانسه‌ها. بسیاری از مدارس تهران، در مقاطع مختلف تحصیلی از ابتدایی تا دبیرستان، و حتی بعضی از دانشگاهها کتابخانه مناسب ندارند یا اگر دارند کتابهایشان بسیار قدیمی است. از طرف دیگر در سالهای اخیر همواره بحث یاری و مشارکت مردم در پیشبرد و توسعه آموزش و پرورش مطرح بوده است. بحث شهریه و «همیاری» بحث تازه‌ای نیست. آموزش و پرورش در آستانه سال تحصیلی اغلب بخشنامه‌های متعددی صادر می‌کند که پرداخت شهریه الزامی نیست اما والدین می‌توانند به آموزش و پرورش از این طریق کمک کنند. البته چارچوب و ابعاد این نوع کمک روشن نیست. به علاوه، طرح «همیاری» و کمکهای مالی مسیر هدایت شده‌ای ندارد و بخصوص مسائل فرهنگی، از جمله کتاب و کتابخوانی، در این طرحها دارای جای روشن و ثابتی نیست و اصلاً جایی ندارد که روشن و ثابت باشد. در واقع معلوم نیست آموزش و پرورش و اداره‌ای که متولی امور فرهنگی و فعالیتهای فوق برنامه مدارس است در زمینه کتاب و کتابخوانی چگونه از یاری مردم و بخصوص اولیای دانش آموزان استفاده می‌کند. مثلاً اگر در هفته معلم یا هفته کتاب یا هفته‌های مشابه و مناسب دیگر مسؤولان هر مدرسه از دانش آموزان بخواهند که هر کدام فقط يك كتاب برای مدرسه خریداری کنند، فکر می‌کنید مجموعه‌ای که به این ترتیب فراهم می‌شود شکل و شمایل يك کتابخانه قابل استفاده و مفید را نخواهد داشت؟

حالا، بعد از این کار، یعنی پیشنهاد خرید فقط يك كتاب، آثار عملی این طرح را به اجمال بررسی کنیم:

اول آنکه همین مراجعه خشك و خالی به کتابفروشی و جستجو در آن، زمینه بالقوه‌ای است در آشنایی با کتاب که چندان هم بی‌فایده نیست.

دوم اگر مدرسه از لحاظ موضوع و محتوا در خرید کتاب محدودیتی قایل نشود، مجموعه متنوعی برای تأسیس